

کیفیات شیراز	حالات فارس	احادیش در فضیلت فارس
مدارس شیراز	بیتاع شیراز	ساجده شیراز
علماء فارس	وزراء فارسی	حکام فارس
بلوکات فارس	شعراء فارس	شایخ فارس
تقسیم مربع مکان مقارعه مکان فرهنگستان	جزایر فارس	ایلات فارس

تفصیل

تفصیل آسیا	دولت ایران	سلطین ضعیف ایران
دولت روم	سلطین ماضیہ روم	افغانستان
ہندوستان	عربستان	مملکت چین
مملکت برمان	مملکت سیام	دولت چین
مملکت ماوراء النہر	مملکت خازرم	مملکت سیر

سلاطین ماضیہ فرانس	دولت فرانسہ	تقسیم اروپا
سلاطین ماضیہ روس	مملکت دولت روس	حالات امسراطور ناپلیون
دولت استریا	سلاطین ماضیہ انگریز	مملکت دولت انگریز
سلاطین ماضیہ پروس	دولت پروس	سلاطین ماضیہ استریا
دولت پورتگال	سلاطین ماضیہ اسپانول	دولت اسپانول

سلاطین

مملکت ایطالیایا	ملک سویت زرلند	سلاطین ماسیم پوزکال
سلطنت نیپرس	خلافت پاپ	سلطنت سروینیه
ممالک جرمنی	ملک بلیوم	ممالک بلند
سلاطین ماسیم دینرک	ملک دینرک	مملکت پولند
تفصیل افریقا	سلاطین ماسیم سوید	ملک سوید

ممالک بربر	عجاپ ہفت گانہ دینا	مملکت مصر
ملک تونس	ملک انچیز	ملک مراکش
ملک جیشہ	بلاد انجریہ ملک نوبیہ	ملک طرابلس
ملک موزمبیک	ملک بنجبار	ملک عدل
ملک تیمبوکتو	ملک سکبیب	ملک سوفالہ

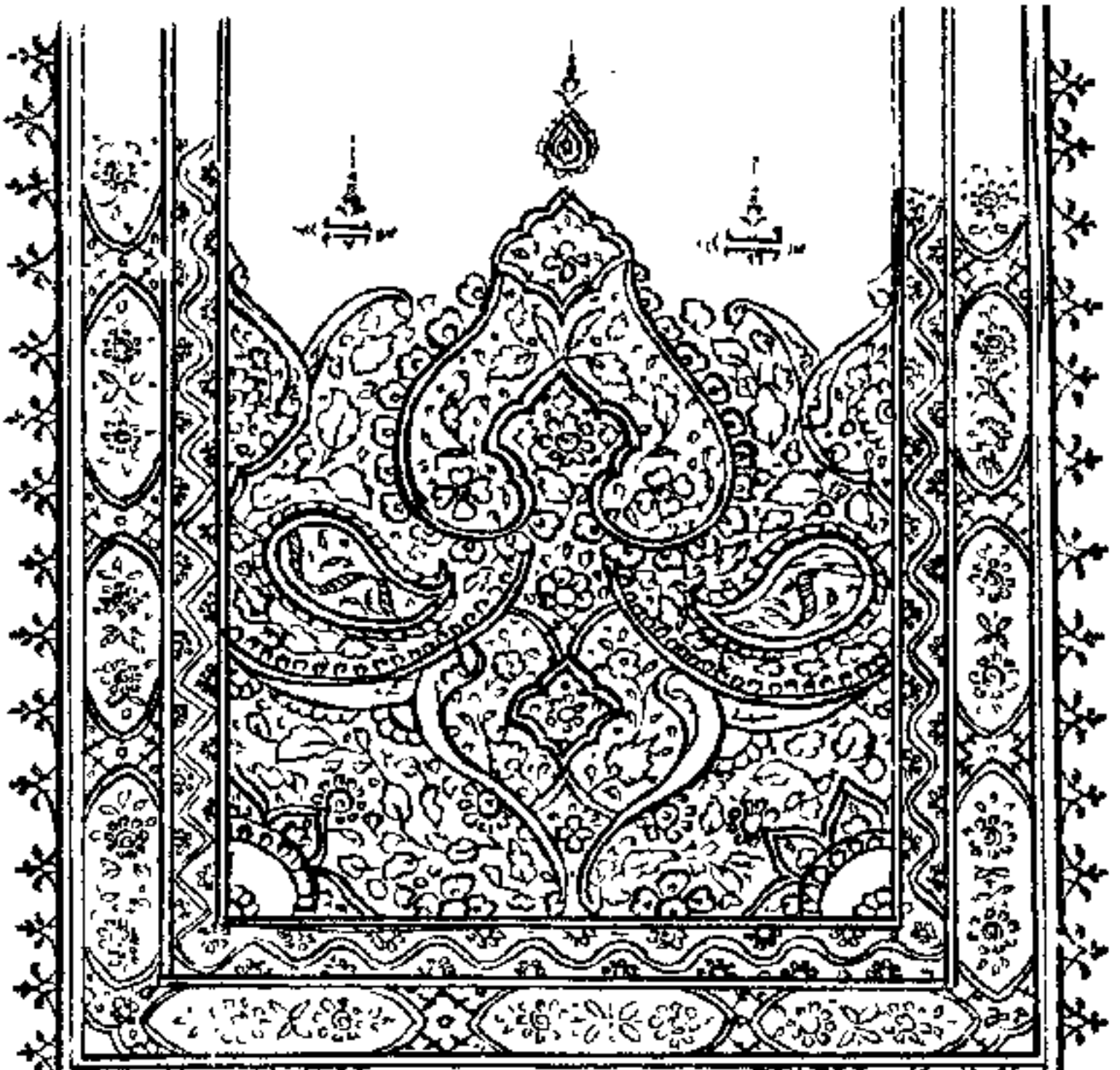
باجل

ساحل طللا	ساحل نعلہ	ساحل عاج
ملک ہومی	ملک ارورہ	ملک ہومین
ولایت کانکو	ولایت کلونکو	ولایت کونکو
ملک کاوشٹان	ولایت بیکولا	ولایت انگولا
تقصیر نیکی ونیا	حزیرہ مادوکر	بیابان افریقا

ممالک متحدہ	ملکت کندا	امریکا شمالی
تفصیل ہند الغرب	مملکت کاتیملا	مملکت میکو
مملکت کلون پتہ	امریکا جنوبی	جزیرہ ہسپنی
ولایت چیلی	ملک بابویہ	مملکت پیرو
ملک پتہ کونہ	مملکت ریزیل	ملک لپتہ
تفصیل اسٹریلیا	ملک کونہ	ملک پروکا

جزیرہ

جسزیره نارنوک	جسزیره وندی منزلند	جسزیره نیوئالند
جسزیره نیوآیرلند	جسزیره نیو پرمی تین	جسزیره سکخ
جسزیره نیوزیلند	جسزیره سولومن	جسزیره وای جیو
جسزیره الاصدقا جزایر اشکره	جسزیره پولی نشیه	جسزیره لومی سید
تفصیل شخص وقایع جزایر جنوبی	جسزیره پدیو	جسزیره کوی منزلند
محمد سلطان	جسزیره روشن	جسزیره کورالین



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله الذي خلق اللوح وبقلم وعلم الانسان ما لم يعلم واصفوا
واسلام على نوره الاتم وصراطه الاقوم رسوله الاعظم ونبية الاكرم
محمد وآله المعصومين المتطهرين اولياء النعم واصول الكرم مصابيح
الرحمة ومصابيح النظم چون شخت وياج سلطنت عظمى وخرافات
كبرى بفرود ووسايله ذوا بجلال منظره جابه وجمال حارس ملك

بسم الله الرحمن الرحيم

عجم وارث افسر جم سلیمان حشمت فریدون طویت پادشاه حق

کندار و داورانجم سپاه خسرو خورشید رخس و شمس یزید

بخش هو السلطان العادل و النخاقان البازل ملک

الملوک ناصر الدین شاه قاجار

ادام الله و دوته و خلد الله ملکه زیب و زینت یافت از واد

غیبیه و الهامات الیه عبارت ملک الملوک ناصر الدین شاه قاجار

مطابق تاریخ جلوس مینت مانوس این پادشاه غازی که مزوج

شرعیست پنجمبر حجازیت آمد و بعد چنین گوید فقیر بی استطاعت

و فقیر هیچ بضاعت مسود این اوراق مختصر محمد حنفی حوزی

ایده الله بلطفه الا و نشد که چون روزگار شباب در جهل و بطالت

بسر رسید و نقد زندگانی که سرمایه سعادت جاودانی نبود

کردید از کتاب سعادت اخروی بی بهره و از تحصیل شایسته

دینوی محروم گشت امارات شیب و علاما شینوخیت پدیدار
و آثار ارتحال آشکار و اثری بیادگار نماند حسرت و تاسف
پنایده بود و لهذا بنحاطه فخر و خطور نمود که سطره چندی عبارتی
و چند ترسپستی لایق که محتوی برزیده کیفیت مملکت فارس از
دارالملک و بوکات و قری و حبنزیر و شاهیر قباغ و مساجد
و مدرس و ایر و سلاطین و حکام عظام و علما و مشایخ و شعراء
عالی مقام از بد و ظهور اسلام الی بنده الایام از این دیار برپیل
اختصار و منظوی برنخبه چگونگی ممالک ربع سکون از قرار تحقیق
و تشخیص حکما و مهندیدین گشت تا بدیاری خامه صداقت و حقیقت
نکاری بدون زیاده و نقصان برشته تحریر گشت باشد که ممکن
مشغولی حاصل آید و فرجی آید و این بنده را یاد کاری و
آید بفضل و کرم بزرگان و ارباب فضایل نکست و این میدچانت

که چون

که چون بنظر مبارکشان مشرف شود از روی محاسن ششم بعین
رضاء و کرم ملاحظه فرمایند بر خطا و زلی که و توقف نمایند از سو قوفی
این متوقف دیار نادانی و معصک زاویه حیرانی دانند زیرا که
خداوند علام عالمست که در فنون عربیه و ادویه ابداء اطلاعی
و اصلا استحضاری از عدم مساعدت بخت حاصل نیامده نه
دره و غره دیده که صغرا و کبرائی تربیت دهد و نتیجی بگرد و منبت
و خبری شنیده که ابتداء بسجا کند و خبری بسزا و اوقاتی صرف
صرف نکرد و روی تو جوی بخونخوینا و روز هفتون شباب نوا
اشتهال را بر متابعت آباء و اجداد یعنی شیوه عاقلی و مبارشری
اشتهال داشت و گاهی معاشرت و مصاحبت اعیان و اخبار
روز کار همت می بگماشت بلی اکثر اوقات بمطالعه کتب فارسی
از تواریخ و سیر مواظبت مینمود و بنا بر این حالت ظاهرست که اندوخته

خوشه چین در برابر پرداخته زار عین چه خواهد بود پت شنیدم
که در روز امید و هم بدان راه نیکان خجسته کریم تو نیز از بدی چشم
در سخن بخلق جهان آفرین کارکن چه متی پسند آیت از
هزار برودیکه دست از لغت بدر و این مختصره آثار حضرت منم نمود
ذکر مزیت این کشور و احادیث ثوره از حضرت خیر البشر
اکثر مورخان ایران بر آنند که حکیم هر مس که المثلث با الجکمش
خوانند و اکثر ادریس نغمه بر شش دانند حکیم و نغمه بر و پادشاهی
معدلت کسرت بود زمین را بهفت قسمت منقسم نمود قسم چهارم
که وسط و مبرزه قلب اعضا و ممالک است کشور ایرانش نام نهاد
مزیت قلب بر سایر اعضا کا الشمس فی وسط السماء است و
خبر خیر الامور اوسطها از شایسته شک و ریب مبراهیت بعد
فریادون فرزند هم جهان جمله منقسم بر سه قسم یکی

روم و خاور و ترک و چین سیم عرصه ملک ایران زمین و از
تقسیم فریدون ممالک ربع مسکون مرپه از او اختصاص اربع
دارای ایران بود دیگران نیز معلوم است که ایران خلاصه دیار و تنجبه
اصهار و زبده اطراف و اقطار است و با اتفاق ائمه اجنبه
در عهد سابقه و قرون ساله سلاطین ایران مملکت فارس را
منتخب و دارالملک گردانیدند و باین سبب ملوک فرس
مشهور و از کمال شوکت و قدرت ملک الملوک ملقب گشتند
چنانچه حضرت حق جلّت عظمت و قدرته در قسره آن مجید و فرغان
حمید خود در حق ایشان میفرماید که تعبتنا عنکم عبادنا اولی
بأس شدید از نقش و کار و رودیوار شکسته آثار پدید است
صناوید عجم را الهذا رجحان و مستیاز فارس بر سایر ممالک ایران
و اختصاصش بر عراق و آذربایجان و خراسان و تزد

اهل بصیرت و عرفان پوشیده نیست زیرا که فارس را همان
 نسبت است بایران که ایران را بر ممالک هند و روم و توران و این
 مملکت را همان فضیلت و رجحان است که ایران را بر اکناف جهان
 مویز نمایند عاشر موده منقر عرب و عجم صلی الله علیه و آله
 و سلم در حق اهل فارس است که ان الله خیر من جنه من العزیز
 قریش و من العجم فارس و هم در مجمع البلدان از آن خلاصه
 دوران مرویت که نوکان الاسلام معلومه بالشریاست اوله
 فارس و کذا لک نوکان الایمان منوطاً بالشریاست اوله رجال
 من فارس و کذا لک در حق سلمان که منقر فارسین است سفیر
 استمان منی لایخلو الله نیامن الایسان حتی یقی من آل سلمان احد
 اگر چه بعضی حضرت سلمان را اصفهانی دانستند و گویند در ازمنه سابق
 فارس اطلاق بر تمامی ایران می شده و این قولیست بغایت

ضعیف و روایتی است ضعیف بر صاحبان طبع سلیم و ذوق مستقیم

مخفی و پوشیده نیست که اگر چنین بودی باستی بر اهل سایر بلاد

زیر آن فارسی اطلاق شده باشد و حال اینکه بر متتبعین احادیث

و اخبار و کتب سیر و آثار آشکار است که در زمان سابق اهل هر بلد می

از بلاد ایران را با اسم همان بلد نسبت داده اند از اهل بلخ بلخی و مردم

بروزی وری برزی و اصفهان باصفهانی از آن جمله حدیث مشهور

در حق اهل اصفهان از حضرت مولای متقیان علی ع که راویش این

مسعود است در نزد صاحبان انصاف برای مدعا دلیلیست و نه

چه اگر العیاذ و بالله سلمان اصفهانی بودی حدیث مرثویه را که در

حق اهل اصفهانست با حدیث حضرت بنوی در مدح سلمان ع آل

او کمال مباهلت و منافات بودی یکی از نکته سخنان در این باب

چه خوشتر گفته اگر سلمان از اصفهانست ناچار و حال در شیراز است

اهل فارس را فخر و مباهات همین بس که سلسله اکامره فرس منقول
 بنخاندان نبوت و دودمان عصمت و طهارت کشت شعرا بی الاصول
 و ولی در تبیین این مقال و توضیح این اجمال که شعروان غلاما
 پن کسری و هاشم لا اعظم من نبوت اینه الثمائی کفایت است ذکر
 مملکت فارس از ممالک جنوبی ایران و محدوده است از حد شمالی
 با قوشه و جنوبی با بحر عمان و خلیج فارس و مشرقی قریه قطر و کوی
 و مغربی رامهرمز فرکوه کیلوی به طولش از شمال بجنوب شصت و یکصد و
 شصت فرسخ عرضش از مشرق بمغرب از صد و شصت فرسخ متجاوز طول
 یالی و ایامش با اختلاف اماکن جنوبی بیزده ساعت و چهل و پنج دقیقه
 و شمالی بیست و چهار روزه ساعت و پنج شش دقیقه میرسد مثل بر محال است
 گرمی و سردی و سردی حرارت گرمی شش سالم برودت سردی شش
 ملایم محصولاتش برنج و غله و سایر جنوبات و فواکه و مرکبات و انواع

میوه جات سرد سیری و گرم سیری و بقولات برکیت بناست موضع
خوب و مرغوب بعمل میاید خاکش در اکثر اکنه حاصل خیز چنانچه در
شولستان و کریمرات و دشتی و دشتستان کین بزرگها و شتادین
حاصل میدهند حقوق دیوانش قبل از ظهور اسلام بطور تحقق غیر
معلوم از زمان خلافت خلفاء و ارتشاع اعلام ظفر فرجام اسلام تا ایام
خلافت الواثق بالله خلیفه عباسی بمقامش تشخیص یافته و معین بود
بعضی مواضع ضعف و قدری ثلث و ربع و برخی خمس و قلیل غنم در
زمان المقدر بالله خلیفه علی بن عیسی خراسانی معین کرد که در این زمان فرود
شدند بر اقوام تبریزی میباشند در ایام سلطنت عضد الدوله بن بکن
الدوله آل بویه و یلمی چونکه ترفیه عباده و تعمیر بلاد پیش نهاد مهمت نیکو
طویشش بود زیاده از این مبلغ بجزشش موصول میگشت در ایام
سلطنت غازان خان که از سلسله چکیز خانیست با بنصمام خراج

جزیره بحرین و قطیف و عشور جازات جزیره قیس آنچه بعد از آن
 فصل آنه و صاف شیرازی ضبط نموده معادل پنج کرو تومان
 رایج این زمان میشود و ظاهر آنکه کتابت استیجابی نموده بابت مرور
 و هور و شهر بر مبلغ افزوده شده و الا نباید چنین باشد علی ای
 حال در این زمان که سینه هزار و دویست و هفتاد و شش هجری و
 ایام سلطنت شاه شوکت شاهنشاه هجده ملک الملوک ناصرالدین شاه
 قاجار خلد آنکه و سلطانیه میباشد حقوق دیوان این ملک سوای جزیره
 بحرین که تصرف اعراب غنوبت و قصبه ابرقوه که خدیست صمیمه
 اصفهان شده چهار صد و پنجاه هزار تومانست و متوجهات
 و امهر که موضوع و بنز و عربستان شده و بلوک هرات و
 مروست که جزو دارالعباس و زوکر و دیده از این مبلغ موضوع میشود
 تومان متعارف این زمان مقابل هجده نخ و طلا می سکوک مسکه مبارکه

شاهشاه ناصرالدینست و از نقره ده عدد روپیه مکتوبانست که هر روپیه
یکمقال و دو نخود سیم مسکوکت و شقال مقدار است و چهار نخود
متوسط است و فقط کرو و ر با صطلاح ایران با نصد هزار است و در الملک
این مملکت شیراز جنت طراز است و از علم شیراز دار الملک انیدیا
و از اقلیم سیم است طول یازده و ایمش چهار رده ساعت و شش دقیقه
کم است هوایش در نهایت اعتدال آتش از قنات بهرین آفتاب
رکن بادوزنکی باد است که آن یک رکن آله و له و ملی و این یک آفتابک
زبکی سفری احداث نموده اند و در این زمان زار صین ملکیت مالک و
متصرفه غله و سایر جو باتش و سطا میل بخوب میوه جات سردی
و گرمی و آفر و مرغوب انکور و سب ترش و انار پس پندیده و
مطلوب مردمش اغلب قلیل البضایه غنی الطبع صاحب ذوق سهل
المسئونه با پیکانه پیکانه و با اهل مد پیکانه انکشر لا غراندام و زرد فام

امالی سواشش عیاشش و فحاشش معابر و شوار عیش کثیف و چرکین و
دکاکین و اسواقش بازیت و زکین بنایش از محمد بن یوسف با اختلاف
روایات از ابن عمش محمد بن قاسم ثقفی که در سنه هشتاد و چهار از
بجرت بطالع سبند ساخته مصمام الدوله دیلمی بارونی برد و شمشیر
بعد از مدت ماضی و فتور بهرسانید تا یک بعد از زکی سلفری بارو
و بجای در غایت حصانت بنا فرمود بعد از زمانی ویرانی یافت محمود
شاه انجو تعمیرش پرداخت چون بنایش مانند اقبال بانی بی ثبات
و سیرع الزوال بود شاه شجاع بن امیر مسبارالدین محمد مضمضری با
استحکام اساس در تمام حصارش جدم نمود برور سنین شهر
روی بندهم و فتور نهاد تا زمان سلطنت سلطان سعادت مند کریم
زند طاب ثرا و جعل الجنة مشواه باروی حصین و بروچی مشیند و
حصین و حشدقی عیش و خاکریزی عرض بانمود و با انجام رسانید

بعد از وفات وکیل و انقراض سلسله زندیه پادشاه شهید نامدار آقا محمد
خان قاجار نوزاد مضحکه باقتضای مصلحت ملکی و صلاح مملکتی بپورانی
ان قلعه حکم فرمود و قلعه از خشت خام با بنجام رسید در شش هزار
و دوست سی و نه از صد متره زلزله عالیها سا فلها شده ولی مجدد
مرحوم فرما نفرما حسینعلی میرزا تعمیر نمود در سینه هزار و دوست و شصت
نه سبب زلزله ثانوی از آثارش نیز اثرخانه ندالحال محوطه است بی حساب
که شامل است تخمیناً بفت هزار خانه دار را خداوند شاه جم جاه
کامکار ملک الملوک ناصرالدین شاه قاجار را موفق دارد که بعمارش
همت کار و دیره این محوطه تخمیناً دوازده هزار کامت محتوی برده
محل است که مستحق این نام است را سامی آنها بدین
قرار است در ب شاهزاده که سابق بود در استان معروف بوده و
میدان شاه و سه مانع و سنگ سیاه و سردرگ که در ایام سلف

امانی سواشش عنایشش و فحاشش معار و شوار عیش کشف و چرکین
و کاکین و اسواقش بازلت و زکین بنایش از محمد بن یوسف با اختلاف
و آیات از ابن عمش محمد بن قاسم ثقفی که در سنه هفتاد و چهار از
بجرت بطالع سبزه شاه صمصام الدوله و طبعی بارونی برد و در شهر شمشیر
بعد از مدتها خلل و فتور بهم رسانید تا بک سعد بن زنگی سلفری بارو
و بجای در غایت حسانت بنا فرمود و بعد از زمانی ویرانی یافت محمود
شاه انجو تعمیرش پرداخت چون بنایش مانند اقبال ابی بی ثبات
و سریع الزوال بود شاه شجاع بن امیر مسبار زالدین محمد مصفری با
استحکام اساس در تمام حصارش جبهه نمود و برور سنین شهر
روی بندهم و فتور نهاد تا زمان سلطنت سلطان سعادت مندرگرم خان
زند طالب شاه و جعل الجنة مشواه باروی حصین و بروجی مشید و
رصین و حسندقی عمیق و خاکریزی عرض بنا نمود و با انجام رسانید

بعد از وفات وکیل و انقضای سلسله زندیه پادشاه شهید نامدار آقا محمد

خان قاجار نوزاده مضحکه باقتضای مصلحت ملکی و صلاح مملکتی بوبراف

ان قلعه حکم فرمود و قلعه از خشت خام با بنجام رسید در سنه هزار

و دویست سی و نه از صد و نه زلزله عالیها سا فلها شده ولی مجدد

مرحوم فرزند قاجار حسینعلی میرزا تعمیر نمود در سنه هزار و دویست و شصت

نه سبب زلزله ثانوی از آثارش نیز اثرخانه در حال محوطه است بی حصه

که شامل است تخمینا بفت هزار خانه دارا خداوندش شاه جم جابه

کامکار ملک الملوک ناصرالدین شاه قاجار را موقوف دارد که بعمارش

همت کار دیده این محوطه تخمینا دو هزاره است محتوی برده

محل است که مستحق این اسامی متعارف این ایام است را سامی آنها بدین

قرار است در ب شاهزاده که سابق بود در استان معروف بوده و

میدان شاه و سه مانع دست تک پناه و سردرگ که در ایام سلف

و ششم خوانده اند و ساوات و ششمی را باین محل نسبت داده اند
و یک محل در ب مسجد و بازار مرغ و اسحق بیگ و لب آب و بهار گشت
و ششمی پیشش دروازه اصفهان و باغ شاه و کازرون و در
سلم معروف بشاه داعی و قصاب خانه و سعدی در ذکر ابنیه قدیمه
و عمارات عالیات این شهر چنانچه از زیارت سخن راند بدور
و در آن گذرد و بعد او نیاید بطویل لاطایل است از زیارت مسجد جامع
عمیق است که عمرو بن لیث صفار در ایام سلطنت و اقدار خود ساخت
و آنجا یک پیش سلفی فدوی بر آن افند و سلطان بر ایتم میزبان
میزر شاهین کورگان تعمیر نمود البته در این مدت که قریب هزار
سال از زمان بنایش گذشته مگر مرمت و تعمیر شده حال اگر
چه دایره است ابابواسطه زلزله مخزوبه و بایر خداوند صاحب همتی و
خداوند مکنستی را موفقی بدارد که تمت بر تعمیرش بکار و بین الجهور